

● مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی

● حسین رمضانی خردمردی

رمضانی خردمردی، حسین
مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی / تهران: دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱،
ص. ۱۷۵.

ISBN : 964 - 375 - 103 - 1 : ۲۴۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۴۷-۲۶۱؛ همچنین به صورت زیر نویس.

لرزشیابی، ص. ۵، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - - نهج البلاغه - مدیریت،

۹. مردم (حقوق اساسی) - - ایران، الف. عنوان.

۲۹۷/۶۵۸ BP ۲۳۲۶۷ // الف ۳۵ د ۴

کتابخانه ملی ایران ۳۸۷۱۵-۸۳ م

مؤسسه فرهنگی دانش و

اندیشه معاصر



● مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی

● حسین رمضانی خردمردی

● ناشر: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

● چاپ: نشاط

● چاپ اول: ۸۴، ۷۰۰ نسخه

● قیمت: ۲۴۰۰ تومان

● شابک: ۱-۱۰۳-۳۷۵-۹۶۴-۱-۹۶۴-۳۷۵-۱۰۳-۱ ISBN: 964-375-103-1

● حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

- پیشگفتار ۹
- چکیده ۱۱
- مقدمه ۱۳
- پیش زمینه: خواجه نصیرالدین توسی ۱۹
۱. شرح زندگی ۱۹
۲. بازماندگان خواجه ۲۸
۳. ریشه‌های فکری ۳۰
۴. جایگاه خواجه در تاریخ ۳۲
- فصل اول: مبادی مدیریت سیاسی ۳۹
۱. انسان ۳۹
- أ. انسان‌شناسی فلسفی ۴۰
۱. آغاز و انجام انسان ۴۰
۲. ماهیت انسان ۴۱
۳. قوا یا نیروهای نفس انسانی ۴۲
۴. جایگاه انسان در میان موجودات ۴۵
۵. کمال انسان ۴۷

- ۴۹ ا. هدف از کمال
- ۵۶ ب. راه کمال
- ۵۹ ج. عامل کمال
- ۶۱ د. وسیله کمال
- ۶۲ و. شرایط کمال
- ۶۸ ب. انسان‌شناسی سیاسی
- ۷۰ ۱. نیازمندی انسان
- ۷۲ ۲. طبع مدنی
- ۷۲ ۳. محبت
- ۷۴ ۴. تفاوت‌های شخصی
- ۷۵ ۲. جامعه
- ۷۶ ۱. منشأ اجتماعات
- ۷۶ ۲. اقسام اجتماع
- ۷۸ ۳. هدف اجتماعات
- ۸۲ ۴. انواع مردم
- ۸۲ ا. اصناف شغلی
- ۸۴ ب. انواع طبعی
- ۸۵ ۵. لزوم مدیریت سیاسی
- ۸۷ □ فصل دوم: بنیان‌های مدیریت سیاسی
- ۸۷ ۱. ماهیت مدیریت سیاسی
- ۹۱ ۲. هدف مدیریت سیاسی
- ۹۲ ۳. ارکان مدیریت سیاسی
- ۹۴ ۱. قانون
- ۹۵ ۲. حاکم (و حکومت)
- ۹۸ ۳. پول (و قدرت اقتصادی)

۹۹	۴. اقسام سیاست
۱۰۰	۱. سیاست ملک
۱۰۰	أ. سیاست ناقصه (نارسا)
۱۰۴	ب. سیاست فاضله (برتر و متعالی)
۱۰۵	۲. سیاست غلبه
۱۰۶	۳. سیاست کرامت (اعتبار)
۱۰۷	۴. سیاست جماعت
۱۰۷	رابطه سیاست ملک با دیگر سیاست‌ها
۱۱۰	۵. شرایط و صفات مدیر سیاسی
۱۱۷	□ فصل سوم: اصول و سازوکارهای مدیریت سیاسی
۱۱۷	۱. تدبیر (سیاستگذاری یا طراحی سیاسی)
۱۱۸	۱. اهداف
۱۱۹	۲. اصول
۱۲۰	۳. روش
۱۲۱	۲. تدبیر (برنامه ریزی سیاسی)
۱۲۱	أ. حفظ حکومت (پایداری)
۱۲۲	۱. تألف اولیا
۱۲۴	۲. تنازع اعدا
۱۲۵	ب. ساماندهی دولت (کشور)
۱۲۶	۱. ساماندهی اقتصادی
۱۳۲	۲. ساماندهی اجتماعی
۱۳۹	ج. سازماندهی حکومت
۱۴۳	۱. سازماندهی اقتصاد سیاسی
۱۵۲	۲. سازماندهی امنیت سیاسی - اجتماعی
۱۵۴	۳. سازماندهی علمی و فرهنگی

۳. اداره (کارگزاری سیاسی) ۱۵۵
۱. مردم‌داری ۱۵۵
- ب. التزام به قوانین ۱۵۶
- ج. راهبرد ۱۵۷
۱. نظارت و کنترل اجتماعی ۱۵۸
۲. نظارت و بازرسی سیاسی (اداری) ۱۶۰
۳. اطلاعات (اطلاع‌گیری و اطلاع‌رسانی) ۱۶۲
۴. مشورت ۱۶۵
- نتیجه ۱۶۷
- کتابنامه ۱۶۹

پیشگفتار

مدیریت سیاسی در جوامع بشری امری است دیر پا که با شکل‌گیری زندگی جمعی انسان‌ها ارتباط دارد و به تناسب ویژگی‌های جوامع مختلف و میزان تکامل و پیچیدگی آن‌ها به اشکال گوناگونی مطرح می‌شود. تجربیات جوامع در طول تاریخ موجب بسط و تکامل نظام مدیریتی گشته و براساس یافته‌های بشری از یک سو و تعالیم دینی از سوی دیگر، سیر تکامل و تحول خود را سپری نموده است. هر کدام از تمدن‌های بشری در طول حیات خود، سازوکارها و اصول مدیریتی خاص خود را در عرصه سیاسی به وجود آورده‌اند. تمدن اسلامی نیز با استعانت از آموزه‌های اسلامی در دوران درخشان خویش نظام مدیریتی سیاسی خاص خود را تولید نمود؛ اندیشمندان و عالمان اسلامی در این دوران کوشیدند با الهام از آموزه‌های اسلامی و تجربیات تمدن‌های دیگر، اصول و سازوکارهای مدیریت سیاسی مطلوب خود را ارائه نمایند. این نظام در دوره حاکمیت خود توانست به گونه‌ای تحسین برانگیز پاسخگوی نیازها و معضلات جوامع اسلامی باشد.

با غلبه غرب بر جهان اسلام در دو سده اخیر، اصول نظام مدیریت سیاسی غرب رفته رفته خود را بر جهان اسلام تحمیل نمود و به تدریج جایگزین نظام مدیریتی اسلامی گردید که ناسازگاری و ناآزمودگی چنین نظامی، با عدم توفیق نظام‌های غربگرا در جوامع اسلامی عملاً به اثبات رسید. گسترش موج

اسلام خواهی و بیداری مسلمانان، زمینه ساز بازگشت جوامع اسلامی به آموزه های اسلامی شد. ظهور انقلاب اسلامی ایران در این دوران موجب تحقق آرمان های مصلحان و مبارزان اسلامی در دو سده اخیر بسوده و زمینه استقرار نظام سیاسی اسلامی را فراهم آورده است.

تحقق نظام سیاسی اسلامی در ایران مستلزم عرضه نظریات اسلام گرایانه در عرصه های مختلف، از جمله در نظام مدیریت سیاسی بوده است. طی دو دهه گذشته، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کوشش های گوناگونی در جهت تدوین و روز آمد نمودن نظریات اسلام گرایانه در این عرصه صورت گرفته است؛ اما با این حال، هنوز جد و جهدی بیش تر برای دستیابی به نظام مدیریتی اسلامی در عرصه های مختلف، به ویژه مدیریت سیاسی، نیاز است.

نخستین گام برای ارائه نظام مدیریت سیاسی اسلامی، احیای میراث اسلامی گذشته است و لذا، در اثر حاضر - که هدفش پرداختن به آرا و اندیشه های عالم بزرگ اسلامی، **خواجه نصیرالدین توسی**، است - راهکارها و اصول مدیریت سیاسی به حوزه مباحثه کشانده می شود. جایگاه والای **خواجه نصیرالدین توسی** در فلسفه و کلام اسلامی انکارناپذیر است و تجربه عملی وی در زندگی سیاسی، همپای حکمت نظری و عملی اش، در مدیریت سیاسی میراث ارزشمندی از دانش و تجربه سیاسی پی افکنده است؛ بنابراین، تأمل در این میراث گران سنگ اسلامی می تواند زمینه مناسبی را برای احیا و بسط این حوزه مطالعاتی فراهم آورد. امید است انتشار دنباله ای در این راستا موثر واقع شود و مورد استقبال جامعه علمی و کارگزاران نظام اسلامی قرار گیرد.

مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

چکیده

پی جویی «مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی»، براساس این فرضیه که «خواجه در مدیریت سیاسی رویکردی دو ساحتی و متعالی داشته است» شکل گرفت.

برای بررسی و تبیین مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه، در فصل نخست، مبادی مدیریت سیاسی را از دیدگاه ایشان ارزیابی کردیم؛ در این فصل دریافتیم که از نظر خواجه مدیریت سیاسی ریشه در ماهیت اجتماعات، به ویژه جامعه سیاسی یا دولت دارد. در نتیجه به شناخت انسان و جامعه از دیدگاه ایشان پرداختیم؛ خواجه، انسان را موجودی مخلوق خداوند می دانست که در راه مبدأ و معاد، در پی خیر و سعادت است و خیر و سعادت نیز تنها از راه زندگی اجتماعی و تشکیل جامعه سیاسی - که خود نیازمند مدیریت سیاسی است - برای انسان قابل حصول است.

در فصل دوم بنیان های مدیریت سیاسی را از دیدگاه خواجه بررسی کردیم؛ خواجه مدیریت سیاسی را در دو بُعد نظری و عملی تصویر می کرد و با پایه قرار دادن بُعد نظری، بُعد عملی را پایان و نتیجه آن می دانست. وی با تبیین هدف و ارکان مدیریت سیاسی، سیاست را به اقسام مختلفی تقسیم کرد که به طور کلی شامل سیاست ناقصه و کامله است و تنها سیاست کامله را مدیریت سیاسی دانست و برای کارگزار آن، یعنی مدیر سیاسی، شرایط و صفات خاصی

قائل شد که بدان خواهیم پرداخت.

در فصل سوم چگونگی مدیریت سیاسی از دیدگاه خواجه بررسی شد؛ در این فصل، موضوع «تدبیر» در سیاست‌گذاری سیاسی (شامل اهداف، اصول و روش) و موضوع «تدبیر» در برنامه‌ریزی سیاسی (اعم از برنامه‌های حفظ حکومت و ساماندهی دولت و حکومت) در قالب مدیریت سیاسی مطرح شد و در نهایت، بحث «اداره» در کارگزاری سیاسی با تأکید بر مردم‌داری، التزام به قوانین و راهبرد سیاست‌ها در قالب مدیریت سیاسی عنوان گردید. کتاب حاضر تنها کوششی است برای شناخت بیش‌تر نظرات خواجه درباره مدیریت سیاسی.

مقدمه

مهم‌ترین مسأله هر جامعه سیاسی مدیریت سیاسی است که در جوامع مختلف شگردهای گوناگونی برای اعمال آن وجود دارد. مدیریت سیاسی متداول چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، عمدتاً بر پایه رویکرد سیاست طبیعی یا به تعبیر هربرت مارکوزه، تک‌ساختی و صرفاً مادی یا ماتریالیستی استوار است که علی‌رغم دستاوردها و پیشرفت‌های عینی موجود، مشکلات و بی‌عدالتی‌های بی‌شماری را به دنبال آورده است. این مشکلات و بی‌عدالتی‌ها هم - چه در داخل و چه در خارج از کشورها و چه در عرصه جهانی - بحران‌هایی را که بشر امروز با آن دست به‌گriبان است، باعث گردیده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بحران‌های هویت، مشارکت، معنویت، خانواده و زیست محیطی اشاره کرد. این بحران‌ها که در سایه رویکرد سیاست طبیعی و مدیریت سیاست تنازعی یا هرزمونیک به وجود آمده، اندیشمندان سیاسی و مدیریتی را برای دستیابی به راهکاری متعادل و متناسب به چالش کشانیده است.

در این راستا و نیز از آن‌جا که مدیریت سیاسی، پیرو اصولی قابل فهم و آموزش است، با توجه به فرهنگ غنی و تمدن دیرین ایران زمین، ضروری است با تحقیق و تفحص در منابع علمی - فرهنگی تاریخ این مرز و بوم، از تجربیات، دستاوردها و آموزه‌های علمی و عملی نیاکائمان - که متناسب با

فرهنگ و سلوک این ملت نیز است - سود جسته آن را در زندگی فردی و اجتماعی خویش به کار بندیم.

با پنداری این چنین، اگر به شخصیت‌های مهم تاریخ‌مان بنگریم، درمی‌یابیم که در میان متفکران و سیاستمداران بزرگ ایران، *خواجه نصیرالدین توسی* صاحب جایگاه ویژه‌ای است؛ چرا که خواجه علاوه آن که درنگاهداشت مکارم و فضایل اخلاقی برگزیده بسیاری از بزرگان عصر خویش بود، در شاخه‌های مختلف، جامع علوم و در جهان سیاست از افراد خوش فکر، فعال و مؤثر محسوب می‌شد. درباره مکارم اخلاقی وی همین بس که پاک سرشتی چون علامه حکمی درباره او گفته است:

او از نظر اخلاقی فاضل‌ترین کسی است که دیده‌ایم.^۱

در حوزه علم نیز آثار و تألیفات خواجه به بیش از ۱۲۰ جلد و به قولی دیگر به بیش از ۱۸۰ جلد می‌رسد که در زمینه‌های مختلفی چون فلسفه، منطق، کلام، ریاضی، هیأت، فقه، تفسیر، تاریخ، تعلیم و تربیت، معدن شناسی و... تقریر شده است که از این رو وی را *استاد البشر* لقب داده‌اند. دست آخر در علم و عمل سیاسی نیز خواجه علاوه آن که شارح و مفسر خوبی برای تبیین فلسفه سیاسی *قارایی* بود، خود نیز به مثابه یک صاحب نظر کارگزاری سیاسی، نظریه‌هایی خاص خود داشت و با توجه به آن که مدتی کارگزار سیاسی بود، فرصت یافت تا به برخی از آن‌ها جامه عمل بپوشاند.

بنابراین، با مطالعه آثار خواجه و با تأمل در آن چه درباره او و اندیشه‌هایش در طول تاریخ نوشته شده، به نظر می‌رسد خواجه از مهم‌ترین اندیشمندانی است که دیدگاه خاصی را درباره مدیریت سیاسی ارائه کرده است. خواجه با

۱. «الفضل من شاهدناه فی الاخلاق»، به نقل از: محمد مدرسی (زنجانى): سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین توسی، ص ۳۰.

۲. آن چه به دست ما رسیده، بالغ بر یکصد جلد است.

طرح و ردّ رویکرد سیاست طبیعی و به تعبیر خودش «ناقصه»، اقدام به ارائه مدیریت سیاسی متعالی و متعادل بر اساس رویکرد سیاست انسانی و دو ساختی و به تعبیر وی «کامله» نمود. او با دیدی توحیدی به انسان می‌نگریست و با شناخت مبدأ و مقصد انسان بر اساس این دیدگاه، نیازهای اساسی او را تشخیص می‌داد و حکومت یا دستگاه مدیریت سیاسی را - که خود یکی از این نیازهای اولیه است - برای بر آورده کردن آن موظف به انجام کارویژه‌هایی می‌دانست: یکی از این کارویژه‌ها تأمین نیازهای مادی و معنوی شهروندان متبوع است و دیگری تلاش برای ارتقا و تعالی این نیازها به سطحی بالاتر که تنها و تنها در سایه اخلاق ممکن می‌گردد. اخلاق، علمی است^۱ که به توضیح خیر و شر می‌پردازد و از چگونگی رفتار شایسته افراد نسبت به یکدیگر سخن می‌گوید و فی الجمله مقصد نهایی را نشان می‌دهد؛ انسان را به سوی نیکی و نیک‌خواهی راه می‌نماید؛ وجدان آدمی را برای انجام وظایف اجتماعی آماده می‌سازد و انسان را به سعادت می‌رساند.^۲

درباره مدیریت سیاسی، از گذشته تاکنون تحقیقات زیادی انجام گرفته است؛ در دوران شکوفایی حوزه اسلامی و ایرانی، تألیفاتی با عناوینی نظیر *سیاست نامه*، *دستور الوزرا*، *آئین مملکت‌داری و اخلاق شاهی* تحریر شده است؛ در دوران معاصر نیز کارهایی درباره مدیریت سیاسی و منابع مربوط به آن در گذشته اسلامی و ایرانی صورت گرفته است که از آن میان می‌توان به تألیفات *خواجه نظام الملک توسی* و *خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی* درباره سیاست و

۱. تا آن زمان مهم‌ترین کتاب در این موضوع *اخلاق ابوهللی* مسکویه بود، ولی *خواجه با تدوین اخلاق ناصری* و با افزودن تدبیر منزل و سیاست مدن، آن را از سطحی فردی به سطحی اجتماعی و سیاسی کشاند و به نحوی احسن کامل کرد که در زمان حیاتش نیز شهره آفاق شد.
۲. همان، ص ۱۲۵.

حکومت و اخیراً اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین توسی^۱ اشاره کرد. با این همه، می‌توان گفت دربارهٔ مدیریت سیاسی به معنای اعم و اصول و مبانی آن و نیز بنیادها، سازمان‌ها و سازوکارهای آن به ویژه از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی کار جامعی صورت نگرفته است؛ لذا، این نوشتار در پی بررسی اصول و مبانی مدیریت سیاسی بر اساس رویکرد خاص خواجه نصیرالدین توسی است. هدف از این تحقیق مطالعه و بررسی اندیشه‌های مدیریت سیاسی خواجه نصیرالدین توسی و استنباط اصول سازمان‌ها و ساز و کارهای اساسی آن برای عرضه راه‌حل‌های ممکن در جهت حل بحران‌های کنونی جوامع مختلف، از جمله کشورمان، ایران، است.

برای رسیدن به این هدف، این کتاب در سه فصل نوشته شده است؛ اما از آن‌جا که آشنایی با اندیشه‌های مدیریتی خواجه بدون شناخت کافی او، اوضاع سیاسی - اجتماعی مهم زمانه‌اش و جایگاه او در آن عصر، آن گونه که شاید، ممکن نیست، نخست در یک پیش زمینه برای معرفی بهتر خواجه نصیرالدین، به بررسی زندگی، بازماندگان، ریشه‌های فکری و جایگاه او در تاریخ می‌پردازیم. سپس محتوای اصلی این کتاب را در سه فصل پی‌می‌گیریم و در آن مبادی (بنیادها یا چرایی)، بنیان‌ها (مبانی یا چینی) و سازوکارهای (چگونگی) مدیریت سیاسی را از دیدگاه خواجه نصیرالدین توسی بررسی و تبیین می‌نماییم. در فصل نخست، با عنوان «مبادی مدیریت سیاسی» دیدگاه خواجه را دربارهٔ انسان و جامعه تبیین می‌کنیم؛ در فصل دوم، با عنوان «بنیان‌های مدیریت سیاسی»، سیاست را از منظر خواجه می‌نگریم که در آن ماهیت و لزوم مدیریت سیاسی در جامعه، انواع سیاست در جوامع مختلف و رویکرد مدیریت سیاسی متعالی را بررسی می‌کنیم و در فصل سوم، با عنوان «اصول و ساز و کارهای مدیریت سیاسی» به تشریح و تبیین ساز و کارها، نهادها و سازمان‌های لازم

۱. مرتضی یوسفی راد: اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین توسی.

برای انجام مدیریت سیاسی متعالی می‌پردازیم.

در پایان نیز بخشی با عنوان «نتیجه» می‌آید که در بردارنده برداشت نویسنده از مباحث مطرح شده در فصول گذشته است و نظر نهایی و کلی نویسنده را درباره مدیریت سیاسی از دیدگاه *خواجسته نصیرالدین توسی* نمایان می‌سازد.

در نهایت بر خود واجب می‌دانم از پیشنهادها و راهنمایی‌های دقیق و سازنده دکتر *علیرضا صدر* در تألیف و از همکاری‌های ارزشمند پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در انتشار این اثر سپاسگزاری کنم. ضمن آن که ناگفته پیداست پذیرفتن مسئولیت نقایص و ایرادات موجود در اثر، همه بر عهده نگارنده است.